

## نگاه قرآنی به «شایعه» و «شبهه»، دو روش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه

hoseiny.ali.110@gmail.com

abotalebey@gmail.com

کلیه سیدروح‌الله حسینی علی‌آباد / دانشجوی دکتری علوم قرآن و تفسیر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مهدی ابوطالبی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۷/۳/۱۹

دریافت: ۹۶/۶/۱۱

### چکیده

در کنار اقدامات نظامی، یکی از مهم‌ترین روش‌های مداخله در کشورها، نفوذ در آنها از طریق سیاست‌های فرهنگی است. یکی از ابزارهای مهم و کارآمد دشمن برای نفوذ فرهنگی، رسانه است. قرآن کریم به طور جدی به مسئله شناخت دشمنان امت اسلامی و روش نفوذ آنها در جامعه توجه کرده است. در حال حاضر، رسانه ابزار مهمی برای دشمنان جهت رخنه و نفوذ است. بنابراین باید روش‌های آنان را برای نفوذ از طریق این ابزار بشناسیم تا بتوانیم با آمادگی کامل در برابر ترفندهایشان بایستیم. در این پژوهش با بررسی آیات قرآن به روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال نظرات قرآن درباره دو روش مهم دشمن در نفوذ فرهنگی از طریق رسانه، یعنی شایعه‌پراکنی و شبهه‌افکنی، هستیم. جست‌وجو در قرآن کریم نشان می‌دهد، شایعه‌پراکنی دشمنان اثراتی مانند اضطراب و ناآرامی در جامعه، شیوع نسبت‌های ناروا و نیز ایجاد تزلزل در باورهای دینی دارد. همچنین از آیات قرآن برمی‌آید، شبهه جبر، شبهه دروغ بودن وعده‌های الهی و شبهه غیرالهی بودن قرآن، از آثار روش دیگر نفوذ فرهنگی (یعنی شبهه‌افکنی) است.

کلیدواژه‌ها: نفوذ فرهنگی، رسانه، قرآن کریم، شبهه‌افکنی، شایعه‌پراکنی.

## مقدمه

دشمن با استفاده از ابزارهای مختلف درصدد نفوذ و تأثیرگذاری در باورها و ارزش‌های مؤمنان است. یکی از ابزارهای مهم دشمن برای نفوذ در جامعه اسلامی، رسانه است. می‌توان گفت جنگ امروز، جنگ رسانه‌هاست و هر کشوری در این زمینه پیشرفت بیشتری داشته باشد، بهتر به اهداف خود نائل می‌شود.

قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت انسان‌ها، حاوی نکات مهمی در زمینه شناخت و نحوه برخورد با روش‌های مختلف دشمنان خدا و دین است. در این پژوهش می‌خواهیم برخی از روش‌های نفوذ از طریق رسانه را با نگاه به قرآن کریم به‌دست آوریم.

«نفوذ» به‌معنای اثر کردن و داخل شدن در چیزی آمده است (ر.ک: ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۵۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۷). این واژه در اصطلاح سیاسی به‌معنای کنش یا قدرتی است که نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید می‌کند؛ و در اصطلاح، عبارت از اعمالی است که مستقیم یا غیرمستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شوند (الوانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲). «نفوذ» شکلی از قدرت است؛ اما متمایز از کنترل، اجبار، زور و مداخله (آقایخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶، ص ۳۱۴). پس عمل جایگزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی به‌شکلی هوشیارانه که بتواند یک ملت و جامعه را از فرهنگ خود بیگانه و مطیع‌گرایز بیگانگان کند، «نفوذ فرهنگی» محسوب می‌شود.

منظور از «رسانه» هر وسیله‌ای است که بتوان از طریق آن، پیام و آثار خود را به دیگران انتقال داد؛ و بیشتر رسانه‌های جمعی (رادیو و تلویزیون)، شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌ها، شبکه‌ها و کانال‌های فضای مجازی موردنظر است.

با جست‌وجو در منابع مختلف، اثری با موضوع روش‌های نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه با رویکردی قرآنی که به روش تفسیر موضوعی کار شده باشد، یافت نشد. در برخی آثار به برخی روش‌ها اشاره شده است؛ اما در آنها یا نگاه به مسئله از جهت رسانه‌ای نبوده یا در بعضی، بحث قرآنی نبود. از این‌رو به‌نظر می‌رسد، در مجموع خلأ پرداختن به این بحث از نگاه قرآن کریم، ملموس است؛ به‌ویژه در عصر ارتباطات، که در این زمینه خطری جدی جوامع اسلامی را تهدید می‌کند.

در این مقاله به دو مورد از روش‌های نفوذ از طریق رسانه، که در آیات الهی به آنها دست یافتیم، اشاره می‌کنیم. این دو روش عبارت‌اند از: شایعه‌پراکنی و شبهه‌افکنی.

## شایعه‌پراکنی

یکی از روش‌های نفوذ که در رسانه‌ها به‌وفور دیده می‌شود، شایعه‌پراکنی است. خداوند در این باره به مؤمنان هشدار می‌دهد که اگر فاسقی به شما خبری رساند، درباره آن تحقیق و بررسی کنید تا به اطمینان برسید؛ وگرنه ناخواسته به کسانی آسیب می‌رسانید و در نهایت پشیمان خواهید شد (حجرات: ۶). این خود هشدار درباره نفوذ دشمن با استفاده از روش شایعه‌پراکنی است.

شایعه در همه‌جا و در تمامی طبقات اجتماعی وجود دارد. شایعه خبرها را منتقل می‌کند؛ کسانی را خوش‌نام و برخی را بدنام می‌سازد؛ و جار و جنجال و حتی جنگ به راه می‌اندازد. در گذشته، شایعه دهان‌به‌دهان منتقل می‌شد و امروز با تحول عظیم در رسانه‌های سمعی و بصری، شایعات به‌گونه‌ای تخصصی‌تر و باسرعت پخش می‌شوند.

اطلاعات کاملاً بی‌اساس، می‌توانند در کمترین زمان و به‌آسانی در جامعه پخش شوند. از روش‌های دشمن برای نفوذ فرهنگی در جامعه اسلامی، شایعه‌پراکنی است تا بدون جنگ و درگیری و به‌آرامی بر روحیه افراد جامعه هدف اثرگذاری کند.

## شایعه در لغت

«شایعه» به‌معنای نشر خبر، و جمع آن «شایعات» به‌معنای خبرهای شیوع‌یافته (راست یا دروغ) است (ر.ک: معین، ۱۳۸۱، ص ۵۷۱). *راغب اصفهانی* شیاع را گسترش یافتن و تقویت نمودن معنا می‌کند و می‌گوید: «یقال شاع الخبر أی کثر و قوی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۰)؛ یعنی آن خبر پخش شد و قوت گرفت. برخی قائل‌اند اصل واحد در این ماده، همان وسعت و گسترش در چیزی است؛ و شیوع حدیث، پخش شدن و گسترش پیدا کردن در اسماع را گویند (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۱۶۶).

به هر گزارش تأییدنشده یا شرح یک حادثه، که آزادانه (بدون توجه به راستی و نادرستی آن) دهن‌به‌دهن می‌گردد، شایعه گویند

مدینه سه گروه وجود داشتند که مشغول خراب‌کاری بودند و آنها منافقان، بیماردلان و مرجفون بودند. منظور از «و الذین فی قلوبهم مرض»، افراد ضعیف‌الایمان، فاجر و اراذل و اوباش است؛ و «المرجفون» همان کسانی‌اند که به پخش شایعات می‌پرداختند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۱) که به گفته بعضی از مفسران، این گروه همان یهود بودند (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۲۶۵). احتمال دیگر این است که در اینجا یک گروه وجود دارد که همان منافقان‌اند و دارای هر سه ویژگی هستند (ر.ک: فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۸۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۲۶۵).

برخورد تهدیدآمیز خدای سبحان در انتهای آیه یادشده، از خطرناک بودن و مؤثر بودن این شیوه در جامعه اسلامی گواهی می‌دهد. خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: اگر منافقان و اراذل و شایعه‌پراکنان از کار خود دست برندارند تو را از بین آنان برمی‌انگیزیم تا آنان را از مدینه اخراج کنی یا آنان را از بین ببری (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۸۴).

### شایعه و نسبت ناروا

دشمن برای از بین بردن حیثیت مسئولان و افراد دلسوز جامعه، درصد رسوا نمودن آنهاست و یکی از راه‌های آن را ایجاد شایعه درباره اطرافیان و وابستگان می‌بیند. خداوند در سوره «نور» به این مسئله می‌پردازد:

«إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأُفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۱) ... «إِذْ تَلَقُّونَهُ بِالْسَبِّتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّبًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (نور: ۱۵) ... «إِنَّ الَّذِينَ يَجِبُونَ أَنْ تُشَيِّعَ الْفَاحِشَةَ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹): به یقین کسانی که آن تهمت [بزرگ] را [درباره یکی از همسران پیامبر به میان] آوردند، گروهی [همدست و همفکر] از [میان] خود شما بودند. آن را برای خود شری می‌پندارید؛ بلکه آن برای شما خیر است. برای هر مردی از

(ر.ک: نرمان، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۴۹). بنابراین، شایعه‌پراکنی نشر خبری در بین مردم است که ناشی از احتمالات باشد. شایعه در بسیاری از موارد جنبه منفی دارد و به نیت تخریب موضوعی یا کسی یا گروهی استفاده می‌شود.

### شیوه نفوذ دشمن از طریق شایعه

از روش‌های نفوذ فرهنگی دشمن در جامعه اسلامی، ایجاد شایعه و پخش آن در بین مردم است. از مواردی که در قرآن کریم - این معجزه جاوید - به آن توجه داده شده، روش دشمنان برای ضربه به جوامع اسلامی از طریق ایجاد شایعه و پخش آن بین افراد جامعه است. در ادامه به آیاتی چند در زمینه شیوه نفوذ دشمن از طریق شایعه می‌پردازیم.

### شایعه و ایجاد اضطراب و ناآرامی

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ به جنگ می‌رفت، گروهی از منافقان مدینه شایعاتی درباره او پخش می‌کردند؛ مثلاً می‌گفتند: پیامبر ﷺ کشته یا اسیر شده است و با این کارشان مسلمانان را دچار غم و غصه می‌کردند. مسلمانان به‌منظور شکایت نزد رسول خدا ﷺ رسیدند و این آیه نازل شد: «لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب: ۶۰)؛ اگر منافقان و آنان که در دل‌هایشان بیماری [ضعف ایمان] است و آنان که در مدینه شایعه‌های دروغ و دلپره‌آور پخش می‌کنند، [از رفتار زشتشان] باز نایستند، تو را برضد آنان برمی‌انگیزیم [که یا تبعیدشان کنی یا با آنان بجنگی؛ آن‌گاه در این شهر جز اندکی در کنار تو نخواهند ماند (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۶ و ۱۹۷).

«مرجفون» از ماده رجف است. به اضطراب و لرزش شدید، رجف گفته می‌شود. ارجاف، ایجاد اضطراب و فتنه‌انگیزی با کار یا سخن است؛ و اراجیف، سخنان آشوبگرانه و فتنه‌انگیزانه بی‌اصل‌و‌اساس را گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۴).

علامه طباطبائی در معنای «مرجفون» می‌فرماید: ارجاف اشاعه باطل به جهت مغموم کردن، و ایجاد اضطراب و آشوب به سبب آن است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۴۰).

در آیه مورد بحث، دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه در



است. بنابراین، در اینجا فاحشه به مطلق فحشا گفته می‌شود (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۹۳)؛ یعنی بعضی دوست دارند که فواحشی مانند زنا و اعمال زشت و ناپسند را نسبت به مؤمنان رواج دهند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۰۸). می‌توان ادعا کرد این آیه دلیل دیگری بر توجه دادن به اهمیت روش شایعه‌پراکنی برای نفوذ در جامعه اسلامی است و اینکه به چه میزان می‌تواند در اجتماع مسلمانان اثرگذار باشد؛ زیرا خداوند داشتن حب اشاعه را هم مورد عقاب قرار می‌دهد تا هم دشمنان را از عاقبت کارشان بترساند و هم مؤمنان را نسبت به خطرات عظیم نشر خبرهای دروغ به وسیله دشمنان و افراد منافق، متوجه گرداند.

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (ال عمران: ۱۴۴)؛ و محمد جز فرستاده‌ای از سوی خدا، که پیش از او هم فرستادگانی [آمده و] گذشته‌اند، نیست. پس آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، [ایمان و عمل صالح را ترک می‌کنید و] به روش گذشتگان و نیاکان خود برمی‌گردید؟! و هر کس برگردد، هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند؛ و خدا به‌زودی سپاسگزاران را پاداش می‌دهد.

در جنگ احد، هنگامی که شایعه گردید حضرت محمد ﷺ کشته شد. این شایعه موجب شادی و روحیه گرفتن کفار شد. بعضی از مسلمانان گفتند: ای کاش عبدالله بن ابی برای ما از اوسیفیان امان نامه بگیرد؛ و بعضی از منافقان گفتند: اگر او پیامبر بود، کشته نمی‌شد؛ پس به سوی برادران و دینتان برگردید. جمعی از مسلمانان سست‌ایمان پا به فرار گذاشتند و به فکر گرفتن امان از اوسیفیان فرمانده کفار افتادند. در برابر این گروه، انس بن نصر با صدای بلند فریاد می‌زد: اگر محمد هم نباشد، راه محمد و خدای محمد باقی است؛ فرار نکنید (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۴۸؛ زمخسری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۲۳).

«قَلْبُ الشَّيْءِ»، یعنی برگرداندن و وارونه نمودن آن چیز از حالتی به حالت دیگر. «قلب الانسان» یعنی برگرداندن انسان از راه و روش و اندیشه‌اش؛ و انقلاب به معنای برگشتن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۸۱). منظور از «انقلاب علی عقیبه» در این آیه، ارتداد از اصل اسلام است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۵۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۳۷۷؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۶۱؛ طباطبائی،

جعل و پخش شایعات دروغین و نگران‌کننده یکی از مهم‌ترین شاخه‌های جنگ روانی توطئه‌گران است. هنگامی که دشمن توانایی رویارویی و مقابله مستقیم با جوامع، به‌ویژه جامعه اسلامی را ندارد، به پخش شایعات رومی‌آورد و از این طریق افکار عمومی را به خود مشغول می‌سازد و از مسائل ضروری و حساس منحرف می‌کند.

در آیات مورد بحث، منافقان برای لکه‌دار ساختن حیثیت پیامبر خدا ﷺ و متزلزل ساختن و جاهت عمومی او، دست به جعل شایعات و پخش آن زدند و پاکی بعضی از همسران پیامبر بزرگ اسلام ﷺ را زیر سؤال بردند و برای مدتی نسبتاً طولانی، افکار مسلمانان را مشغول و ناراحت کردند تا اینکه وحی الهی به یاری آنان آمد و درس عبرتی برای همگان شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۰۸).

امروزه انتشار شایعات هدف‌دار از سوی دشمنان در رسانه‌ها با هدف وارد ساختن نسبت‌های ناروا به اشخاص مؤثر در بدنه نظام اسلامی، به امری رایج تبدیل شده است. نشر اخبار جعلی، ساخت فیلم‌های به اصطلاح مستند، ولی آکنده از دروغ، اشاعه تحلیل‌های گمراه‌کننده در فضاهای مجازی و امثال آن، گوشه‌ای از این اقدامات در راستای نفوذ فرهنگی است. توجه به راهکار قرآن کریم در هشیاری نسبت به این ترفند فرهنگی و تلاش برای مقابله با آن، عامل مهمی در خنثا کردن نقشه دشمنان خواهد بود.

### شایعه و ایجاد تزلزل در باورهای دینی

از آرزوهای بزرگ دشمنان، دور کردن مردم به‌ویژه جوانان از دین و ایمان یا کم‌رنگ نمودن این عنصر حیاتی و بالنده در زندگی

جامعه، به‌ویژه جوانان را از آرمان‌های نظام و انقلاب و اصل ولایت فقیه و کارآمدی حکومت دینی روی گردان کنند.

### شبیه‌افکنی

روش دیگر در نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه، شبیه‌افکنی است. در این روش - که قرآن نیز به آن تصریح می‌کند - دشمنان با مشتبه کردن امور و خلط بین حق و باطل، بر باور مردم تسلط می‌یابند و آنچه را می‌خواهند، به مردم القا می‌کنند. امروزه شبیه‌افکنی یکی از روش‌های مهم دشمن در رسانه، به‌ویژه در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای است.

گاهی دشمنان برای نفوذ در جامعه اسلامی به‌گونه‌ای گام برمی‌دارند که افراد متدین واکنش دفاعی به خود نگیرند. در این شیوه، حق را با باطل همراه می‌کنند و با ایجاد شبهه، فضا را غبارآلود می‌سازند (ر.ک: بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶) و مردم، به‌ویژه افراد کم‌اطلاع را به تردید می‌اندازند. در چنین شرایطی، «رسالت عالمان دین، در حمایت از قرآن و سنت معصومان علیهم‌السلام است؛ زیرا فتنه معاندان اسلام‌ستیز، در نفوذ از طریق تشابهات است» (پیام آیت‌الله جوادی آملی به چهاردهمین المپیاد بین‌المللی قرآن و حدیث جامعه‌المصطفی / اسفند ۱۳۸۷).

خداوند در قرآن کریم به این شیوه دشمنان اشاره می‌فرماید و در آیات متعدد، شبهات را از قول دشمنان و مخالفان حکایت می‌کند. ما در این مختصر، به آیاتی در این زمینه اشاره می‌کنیم.

### شبیه در لغت

«شبهه» از «شبه»، این است که بین دو چیز به دلیل وجود شباهت بین آنها، تمییز داده نشود؛ خواه شباهت عینی باشد و خواه معنوی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۳).

مرحوم مصطفوی می‌گوید: «اصل واحد در شبهه، قرار دادن چیزی در مکان شیء دیگر است، به جهت مناسبت و هم‌شکلی بین آن دو در صورت» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۱۱).

«شبهه» همان التباس است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۰۴)؛ یعنی بر قامت باطل، لباس زیبایی حق پوشاندن؛ و به همین دلیل، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در علت نام‌گذاری شبهه می‌فرماید: «وَ إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ»

۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۷)، نه فرار از جنگ، که گناهی بزرگ است. «انقلاب علی عقبیه»، یعنی روی پاشنه پا چرخیدن، غیر از فرار از جنگ است. فرار از جنگ گناهی بزرگ، اما مقطعی است و در جنگ «حنین» نیز اتفاق افتاد: «وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ... ثُمَّ وُلِّيْتُمْ مُدْبِرِينَ»؛ اما «انقلاب علی عقبیه» کنایه از ارتداد از اسلام است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۶۶۰).

رشیدرضا به نقل از استادش «انقلاب علی عقبیه» را عام می‌داند که هم شامل ارتداد از دین می‌شود و هم ارتداد و روی گردانی از عمل، مانند جهاد، مبارزه با دشمن و حمایت و یاری حق را دربرمی‌گیرد (ر.ک: رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۶۱).

قرآن کریم در مواردی «انقلاب علی عقبیه» را کنایه از ارتداد دانسته و مسلمانان را از چنین خطر زیان‌باری برحذر داشته است؛ مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۹). بنابراین، «يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ» کنایه از ارتداد و کفر پس از ایمان است. یکی از ابزارهای ساختن و انتشار شایعه، شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌ها و کانال‌های متعدد شبکه‌های مجازی است و دشمنان برای اثرگذاری، به‌ویژه نفوذ فرهنگی در جامعه اسلامی، با سازمان‌دهی قبلی و قصد توطئه، شایعه را القا می‌کنند.

از آثار شوم انتشار شایعه، تغییر در اعتقاد و باور افراد است و در آیه یادشده گذشت که پس از انتشار شایعه شهادت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، برخی از اصل دین برگشتند و ذلیلانه به دنبال امان‌نامه بودند. بنابراین، می‌توان گفت از روش‌های مهم دشمن برای نفوذ فرهنگی از طریق رسانه در جامعه اسلامی، تغییر اعتقاد بر پایه جعل و پخش شایعات است.

شایعه به صورت ناخودآگاه پیام‌های منفی ارسال می‌کند؛ به‌نحوی که در روح و جان مخاطب اثر می‌گذارد و انسان را به مسیرهای غیرواقعی و نادرست سوق می‌دهد.

در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان همواره سعی دارند با اشاعه شبهات دینی و مذهبی، ارائه آمارهای نادرست از موفقیت‌های علمی و اجرایی نظام، و همچنین نشر اکاذیب درباره فساد شخصیت‌های معنوی و امثال آن، همه اقشار



او را انکار کردند و در زمینه القای شبهات و پنهان کردن دلایل و بینات، تلاش وافری می‌ذول داشتند (ر.ک: بقره: ۱۴۶؛ نمل: ۱۴). طبق آیه یادشده، دشمنان تنها به حرف و گفتار بسنده نمی‌کنند و در عمل نیز اقداماتی برای مشتبه ساختن امور در جامعه اسلامی انجام می‌دهند.

### شبهه جبر

مورد دیگری که خداوند در قرآن کریم به آن توجه داده، مسئله خواست و اراده الهی و شبهه جبریون است. خداوند از حال مشرکان خبر می‌دهد که آنان درباره علت شرک خود می‌گویند:

«سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ» (انعام: ۱۴۸)؛ کسانی که برای خدا شریک و هم‌تا قرار دادند، به زودی خواهند گفت: اگر خدا می‌خواست، نه ما شرک می‌ورزیدیم و نه پدرانمان؛ و نه چیزی [از حلال خدا را خودسرانه] حرام می‌کردیم. [پس شرک و تحریم ما جبری بوده، نه اختیاری]. کسانی که پیش از اینان بودند، [بر اساس همین عقیده باطل، پیامبران را] تکذیب کردند تا عذاب و انتقام ما را چشیدند. بگو: آیا نزد شما دانشی [استوار و منطقی] مستدل بر عقایدتان هست که آن را برای ما آشکار کنید؟ شما فقط از پندارهای واهی و پوچ پیروی می‌کنید و جز به حدس و گمان تکیه نمی‌زنید.

دلیل و حجت مشرکان این بود که اگر خدا راضی به اعمال ما نبود و چیزی غیر از این را از ما می‌خواست، ما ناچار به ترک شرک و تحریم بودیم؛ و اکنون که غیر این اعمال را نمی‌خواهد، نشانه اذن و رضایت خدا به شرک و تحریم است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۳۶۶). به بیان دیگر، اعمال ما و همه چیز مورد تعلق اراده و مشیت الهی است و هر چیزی که اراده و مشیت الهی به آن تعلق بگیرد، مشروع و مورد رضای خداست. بنابراین هر چیزی که ما مرتکب می‌شویم، مشروع و مورد رضای خداوند است (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۹۴).

دشمنان و مخالفان در زمینه ایجاد و صورت‌بخشی شبهات،

(نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۸۱)؛ شبهه را شبهه نام نهادند، زیرا شباهت به حق دارد. بنابراین، شبهه از خلط حق و باطل نشئت می‌گیرد و موجب درآمیختن و پوشیده شدن امور بر افراد می‌شود و در نتیجه مردم در تشخیص حق از باطل دچار تردید می‌شوند.

در ادامه، به برخی از مصادیق شبهه‌افکنی دشمن در صدر اسلام - که زمینه نفوذ در فرهنگ جامعه اسلامی را فراهم می‌کرد - اشاره می‌کنیم. مشابه چنین مواردی، در زمان حاضر نیز از سوی دشمنان دین یافت می‌شود.

### نفوذ از طریق شبهه‌افکنی از نگاه قرآن

قرآن کریم شبهه‌افکنی را از اهرم‌های مهم دشمن جهت فریب و انحراف جوامع اسلامی معرفی می‌نماید. خداوند در این باره می‌فرماید:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَأَمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ ءَأَمِنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَ أَكْفَرُوا ءَأَخِرَةَ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (آل عمران: ۷۱ و ۷۲)؛ ای اهل کتاب! چرا درحالی که [به حقایق و واقعیات] آگاهید، حق را به باطل مشتبه می‌کنید و حق را پنهان می‌دارید [تا مردم گمراه بمانند؟] و گروهی از [عالمان] اهل کتاب به پیروان خود گفتند: اول روز به آنچه [از آیات قرآن] بر مؤمنان نازل شده، [به مکر و حيله] ایمان آورید، و در پایان روز کفر ورزید؛ شاید [مؤمنان با این ایمان و انکار شما به تردید افتند و] از دینشان بازگردند!!

«اللِّبْسُ: ستر الشیء» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۳۵)؛ یعنی پوشیدن و پوشاندن. به همین مناسبت، علامه طباطبائی می‌فرماید: «لبس به فتح لام، القای شبهه و دروغی را حق جلوه دادن است» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص: ۲۵۶). درواقع، لبس یعنی حق را به صورت باطل نشان دادن یا باطل را به شکل حق آراستن؛ مانند آرایشگری که صورت نازیبایی را با آرایش، زیبا جلوه می‌دهد.

مشتبه کردن، از جمله کارهای اساسی دشمنان برای نفوذ در جامعه و انحراف مردم از آداب و سنت‌های صحیح است. علمای یهود و نصارا با وجود علم و آگاهی به حقانیت رسول خدا ﷺ، نبوت

رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (احزاب: ۱۲)؛ و آن گاه که منافقان و آنان که در دل هایشان بیماری [ضعف ایمان] بود، می گفتند: خدا و پیامبرش جز به فریب ما را وعده [پیروزی] نداده اند.

از ظاهر عطف «الذین فی قلوبهم مرض» به «منافقان»، برمی آید که آنان گروهی غیر از منافقان بودند و گفته شده است آنان کسانی بودند که منافقان به منظور ایجاد شبهه در ذهن آنان با ایشان ارتباط برقرار می کردند؛ و بعضی گفته اند: آنان افرادی بودند که به دلیل تازه مسلمان بودن، از نظر اعتقادی ضعیف بودند (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۵۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۲۸۶).

«غَرَرْتُ فَلَانًا» یعنی از غفلت و بی خبری اش سود بردم و به آنچه از او می خواستم، نائل شدم؛ و «غَرَّةٌ» به کسر غین، به معنای غفلت و بی خبری در بیداری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰۳). بنابراین می توان گفت: «غرور» به معنای این است که کسی آدمی را به شری وادار کند که به صورت خیر ارائه کرده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۲۸۶).

منافقان و افراد سست ایمان با ایجاد شبهه در بین مردم و دیگر مسلمانان، آنان را نسبت به وعده های خدا و رسولش دچار شک و تردید می نمودند و این گونه القا می کردند که خدا و پیامبر با وعده هایشان ما را فریب دادند.

درباره جنگ احزاب آمده است که هنگام کندن خندق، روزی مسلمانان به قطعه سنگ سخت و بزرگی برخوردند که هیچ کلنگی در آن اثر نمی کرد. به پیامبر ﷺ خبر دادند. آن حضرت کلنگی را به دست گرفت و نخستین ضربه را بر سنگ فرود آورد. قسمتی از آن متلاشی شد و برقی از آن جستن کرد. پیامبر ﷺ تکبیر گفت. مسلمانان نیز همگی تکبیر گفتند و تا سه مرتبه این حرکت تکرار شد.

سلمان درباره این ماجرا سؤال کرد. پیامبر ﷺ فرمود: در میان برق اول، سرزمین «حیره» و قصرهای پادشاهان ایران را دیدم، و جبرئیل به من بشارت داد که امت من بر آنها پیروز می شوند؛ و در برق دوم، قصرهای سرخ فام «شام و روم» نمایان گشت؛ جبرئیل به من بشارت داد که امت من بر آنها نیز پیروز خواهند شد؛ در برق سوم، قصرهای «صنعا و یمن» را دیدم و جبرئیل باز به من خبر داد که همچنین امتم بر آنها پیروز خواهند شد؛ بشارت باد بر شما، ای مسلمانان!

چنان شکل و ظاهر آن را می آریند که در نمای اول مطلبی علمی و استدلالی دارای مقدمات صحیح به نظر می آید؛ اما با کمی دقت، به اشکالات موجود در آن پی برده می شود. همین ظاهر سازی موجب می شود که بعضی افراد در برابر شبهات سر تعظیم فرآورند و تسلیم ادبیات زیبا و فریبنده آن شوند.

دشمن و افراد سودجو با تمسک به شبهه جبر و پروبال دادن به آن، درصدد ایجاد روحیه تسلیم در برابر اتفاقات و حوادث اجتماعی اند تا در نتیجه، روحیه ظلم ستیزی و مقابله با استکبار و حاکمان ستمگر در مردم از بین برود یا تضعیف شود.

در جامعه بشری همیشه ستمگران هر اندازه قدرت داشته باشند، به یک پشتوانه فکری و فلسفی و عقیدتی نیاز دارند، که تکیه گاه نظام اقتصادی و سیاسی و وضع موجود آنان باشد؛ خواه آن نظام به صورت یک فلسفه باشد یا به صورت مذهب (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۷، ص ۴۲۲).

آیاتی که گذشت، بیانگر تأثیر نفوذ فرهنگی دشمن به روش ایجاد شبهه است؛ زیرا سنت های غلط و باطل، از شرک و بت پرستی و کفر، می تواند با طرح شبهاتی پدید آید و موجب تخلف از اراده تشریحیه الهی شود و زمینه مخالفت و مبارزه با پیامبران و اولیای الهی را به وجود آورد.

دشمنان امروز، وام گیر دشمنان دیروزند و روش های نفوذ با قوت بیشتری دنبال می شود. در عصر کنونی، دشمنان با ایجاد شبهات و فریب مسلمانان با این روش، درصدد دور کردن آنان از دین و ایمان اند.

### شبهه دروغ بودن وعده های الهی

قرآن کریم در چند مورد تأکید می فرماید که وعده های خداوند حق است و او خلاف وعده نمی کند. این تکرار و تأکید، برای دلگرمی باورمندان به خدای متعال است؛ زیرا در مواردی، ایمان به وعده های الهی و تحقق آن، با شبهاتی که توسط بدخواهان مطرح می شود و اتفاقاتی که می افتد، دچار تزلزل و رخوت می شود. در قرآن کریم، هم به تحقق وعده های الهی تصریح شده و هم به آسیب هایی که در این زمینه گریبان گیر مؤمنان می شود، اشاره شده است. خدای متعال در این باره می فرماید: «وَ إِذْ يَقُولُ الْمُؤَفَّفُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ



و این قرآن به زبان عربی فصیح و روشن است. جمله «یعلمه بشر» بیانگر این است که تعلیم، صرف تلقین و املا نیست؛ بلکه مربوط به معانی کلمات است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۲، ص ۳۴۸). بنابراین، ممکن است منظور شبهه‌کنندگان این بوده باشد که پیامبر اکرم ﷺ از شخصی معانی قرآن را یاد گرفته و آن معانی را در قالب الفاظ فصیح عربی درآورده است. از همین رو علامه می‌فرماید: آیه یادشده پاسخ به این قسمت از شبهه است که می‌گوید: لفظ قرآن با تلقین از بشر گرفته شده است. دو آیه بعد از آن، یعنی «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ...» پاسخ به این بخش شبهه است که می‌گوید: پیامبر معانی و محتوا را از شخصی غیرعرب آموخته و آن را به زبان عربی فصیح درآورده و به خدا نسبت داده است (ر.ک: همان).

سید قطب درباره این شبهه در دوره اخیر گفته است که جمعی از مادیون در روسیه هنگامی که می‌خواستند در کنگره مستشرقان که در سال ۱۹۵۴ میلادی تشکیل شد، اشکالی بر دین وارد کنند، چنین می‌گفتند که این کتاب نمی‌تواند تراوش مغز یک انسان (محمد) بوده باشد؛ بلکه باید نتیجه تلاش و کوشش جمعیت بزرگی باشد؛ حتی نمی‌توان باور کرد که همه آن در جزیره‌العرب نوشته شده باشد؛ بلکه به‌طور قطع قسمت‌هایی از آن در خارج جزیره‌العرب نوشته شده است (سید قطب، ۱۴۲۵ ق، ج ۴، ص ۲۱۹۵).

شبهه غیرالهی بودن الفاظ و معانی قرآن، از همان دوران پس از نزول قرآن مطرح بوده و تا امروز نیز ادامه دارد. از سویی، طرح این شبهه محدود به کفار و مشرکان نبوده است و در عصر کنونی، افراد به‌ظاهر مسلمان نیز چنین شبهه‌ای را دامن می‌زنند و آگاهانه یا ناآگاهانه آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و در دل افراد سست‌ایمان، شک و تردید ایجاد می‌کنند.

در مجموع، باتوجه به آنچه درباره شبهه‌پراکنی از طریق رسانه و شیوه‌های نفوذ از طریق این روش گفتیم، روشن شد که دشمن با شبهه‌افکنی در موضوعات و مسائل دینی و با نفوذ در فرهنگ جامعه، در پی سست کردن عقاید و تغییر دادن ارزش‌های مورد توجه مسلمانان است و در فضای کنونی جامعه، بهترین و راحت‌ترین وسیله برای ایجاد شبهه و پخش آن در بین مردم و جوانان، رسانه و فضای مجازی است.

منافقان نگاهی به یکدیگر کردند و گفتند چه سخنان عجیبی و چه حرف‌های باطل و بی‌اساسی! او از مدینه دارد سرزمین حیره و مدائن و کسری را می‌بیند و خبر فتح آن را به شما می‌دهد؛ درحالی که هم‌اکنون شما در چنگال یک مشت عرب گرفتارید و حتی نمی‌توانید به بیت‌الخلأ بروید!

در چنین فضایی، آیه یادشده نازل شد که: این منافقان و بیماردلان می‌گویند خدا و پیغمبرش جز فریب و دروغ وعده‌ای به ما نداده‌اند (جزری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۷۹).

این روش، امروز هم کارایی خود را دارد. رسانه‌های معاند با نظام اسلامی در موارد متعددی شبهات مربوط به وعده‌های الهی را مطرح می‌کنند. از آن جمله می‌توان به موج شبهات درباره وعده ظهور امام عصر ﷺ اشاره کرد. متأسفانه اثر برخی از تلاش‌های صورت‌گرفته از سوی دشمن، در فضاهای آموزشی کشور نیز دیده می‌شود. هشدار قرآن در این زمینه، راه روشنی را به همه امت، بخصوص تصمیم‌گیران کلان نشان می‌دهد تا با مقابله در برابر این شیوه نفوذ فرهنگی دشمن، از پیامدهای شوم آن در امان باشند.

### شبهه غیرالهی بودن قرآن

شبهات گاهی مربوط به مسائل فرعی می‌شود و گاهی ریشه و اصل را هدف قرار می‌دهد. تفاوت در این است که دشمن با هدف قرار دادن اصل و ریشه، درواقع مسائل فرعی را هم زیر سؤال می‌برد. نمونه بارز این شبهات، شبهه غیرالهی بودن قرآن است؛ زیرا با مخدوش شدن قرآن، این کتاب الهی که برای هدایت انسان‌ها آمده است، همه مسائلی هم که در آن مطرح شده‌اند و سیر و سلوک و سبک زندگی الهی و اسلامی را آموزش می‌دهند، مخدوش می‌شوند و حقانیت همه احکام و قوانین از بین می‌رود و مردم دچار شک و حیرت خواهند شد.

دشمنان همواره درصدد بوده و هستند تا حقانیت قرآن را زیرسؤال ببرند. خداوند در سوره «نحل» به این مهم چنین اشاره فرموده است: «وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» (نحل: ۱۰۳)؛ و ما می‌دانیم که آنان می‌گویند: یقیناً این آیات را بشری به او می‌آموزد!! [چنین نیست که می‌گویند؛ زیرا] زبان کسی که [آموزختن قرآن به پیامبر را] به او نسبت می‌دهید، غیرعربی است

## نتیجه‌گیری

عصر کنونی، عصر ارتباطات و فناوری است و یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی در زمان حاضر، رسانه است که یکی از ابزارهای مورد استفاده دشمنان برای نفوذ و رخنه فرهنگی در جامعه اسلامی است. رسانه به دلیل عمومیت و در دسترس بودن آن، وسیله مناسبی برای نیل دشمن به اهداف پلیدش است.

دشمن با سرمایه‌گذاری در زمینه تولید شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی و گسترش آن در کشورهای اسلامی، به دنبال تأثیرگذاری و سلطه بر این کشورهاست.

شایعه‌پراکنی، یکی از روش‌های مهم دشمن برای نفوذ از طریق رسانه است و خداوند به دلیل اینکه شایعه اثرات سوئی در جامعه به وجود می‌آورد، شایعه‌پراکنان را به عذاب در دنیا و آخرت هشدار داده است.

خداوند در قرآن کریم به مسئله شایعه‌پراکنی می‌پردازد و به مؤمنان درباره اثرات سوء آن هشدار می‌دهد. برخی از پیامدهای شایعه‌پراکنی در جامعه از منظر قرآن عبارت‌اند از: ایجاد اضطراب و ناآرامی؛ شکاف بین مردم و مسئولین؛ نسبت ناروا و تضعیف مسئولان؛ و تزلزل در باورهای دینی.

ابزار دیگر نفوذ دشمن، شبهه‌افکنی است. ارتباط جوانان و عموم مردم با رسانه و فضای مجازی، زمینه بهتری برای نفوذ دشمن با استفاده از روش ایجاد شبهه و پخش آن، فراهم آورده و در قرآن کریم به موارد متعددی از کاربرد این شیوه اشاره شده است؛ شبهه جبری، شبهه دروغ بودن وعده‌های الهی و شبهه غیرالهی بودن قرآن، از جمله شبهاتی است که در جامعه امروز نیز جاری است.

دشمن با به‌کارگیری افرادی ظاهرالصلاح، سعی در القای چنین شبهاتی در بین مردم، به‌ویژه جوانان دارد؛ و بهترین ابزار برای بهره‌گیری از این روش، رسانه است.

در حال حاضر یکی از تهدیدهای جدی از طریق رسانه، استفاده از روش‌های شایعه‌پراکنی و شبهه‌افکنی است که دشمن از این زمینه مساعد، برای نیل به اهداف خود و نفوذ و رخنه در فرهنگ جامعه اسلامی بهره فراوان می‌گیرد.

## منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.  
ابن فارس، احمدین، ۱۴۰۴ق، معجم‌المقاییس‌اللغه، تحقیق و تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمدین مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان‌العرب، تحقیق و تصحیح جمال‌الدین میردامادی، چ سوم، بیروت، دارالفکر.

آقابخشی، علی‌اکبر و مینو افشاری‌راد، ۱۳۸۶، فرهنگ علوم سیاسی، چ دوم، تهران، چاپار.

آلوسی، محمدین عبدالله، ۱۴۱۵ق، روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع‌المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.

الوانی، سیدمهدی، ۱۳۸۶، مدیریت عمومی، چ سی‌ویکم، تهران، نشر نی.

جزری، ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تفسیر تسنیم، چ هشتم، قم، اسراء.

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم.

رشیدرضا، محمد، ۱۴۱۴ق، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه.

زمخشری، محمودبن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تصحیح مصطفی حسین احمد، چ سوم، بیروت، دارالکتاب العربی.

سید قطب، ۱۴۲۵ق، فی ظلال القرآن، چ سی و پنجم، بیروت، دارالشروق.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چ دوم، بیروت، مؤسسه‌الأعلی للمطبوعات.

طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبائی و سیدهاشم رسولی، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.

فخررازی، محمدین عمر، ۱۴۲۰ق، التفسیر الکبیر، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

قمی، علی‌بن ابراهیم، ۱۳۶۳، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، چ سوم، قم، دارالکتاب.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، مجموعه آثار، چ هشتم، قم، صدرا.

معین، محمد، ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی معین، تهران، معین.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نرمان، ل، مان، ۱۳۶۲، اصول روانشناسی، ترجمه محمود ساعتچی، تهران، امیرکبیر.